



خوشا بحال کسانیکه قلب فروتن دارند، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است

قلب ما

متی ۵: ۳

کسانی که قلباً فروتن هستند، اجازه دارند تا وارد پادشاهی خدا شوند. راههای متفاوتی برای نگاه کردن به فروتنی وجود دارد. ما امروز بطور مخصوص به احوال قلبمان نگاهی می اندازیم. وضعیت قلب ما از نظر عیسی بسیار مهم است. آن فروتنی که عیسی منظورش است، همانی است که در زندگی خودش دیده میشود. با اینکه عیسی فروتن است ولی درباره خودش و جایگاهش، بطور واضح سخن میگوید، این را در مثالهای آتی بخوانید.

به نظر پطرس عیسی کیست؟ آیا عیسی آنرا تایید می کند؟

متی ۱۶: ۱۶-۱۷

عیسی حقیقتاً ایمان دارد که پسر خدا است. این چیز کمی نیست. عیسی واقعا منزلت خاصی دارد. با این وجود او خوب میدانند که جایگاهش کجاست. او کاملاً به خدای پدر اعتماد دارد.

یوحنا ۵: ۱۹

قلب عیسی فروتن است. او به آنچه که هست، مغرور نیست. او قوت و حکمت را از پدر دریافت میکند. برای پذیرش این وابستگی باید فروتن بود. به عبارتی دیگر: وابستگی داوطلبانه. عیسی به موقعیت، قدرت و دانسته هایش تکیه نکرد. او در برابر همگان اذعان داشت که همه آنها از طرف پدر می آیند. عیسی حتی از این هم فراتر می رود.

عیسی درباره رفتارش چه می گوید؟

فیلیپیان ۲: ۶-۹

عیسی از ذات الهی اش فاصله گرفت و انسان شد. او انتخاب کرد که خود را فروتن سازد و آماده بود که برای ما جان دهد.

ثمره

لوقا ۴: ۴۳-۴۵؛ امثال ۴: ۲۳

دهان از چه پر میشود؟

متی ۷: ۱۵-۲۰

ما برای چه باید هوشیار باشیم؟

ما برای چه باید هوشیار باشیم؟ عیسی با شاگردانش درباره ثمره آوردن صحبت میکند. چه میوه ای در زندگی مان میبینید و این میوه چگونه بوجود آمده؟ عیسی صریحاً درباره قلب کند صحبت میکند. قلب مکافی است که در آن میوه زندگی مان بعمل می آید. اگر قلب شما از عیسی پر است، آن در کردار و گفتار مان حتماً دیده و شنیده خواهد شد. عیسی در مورد مردمی که درباره خدا صحبت میکنند و خودشان به آن روش زندگی نمی کنند، هشدار میدهد.

پس این بسیار مهم است که از خودمان بپرسیم چه کسی در زندگی مان تاثیر گذار است. چه شخصی را در قلبمان راه میدهم؟ و یا، به چه کسی ایمان داریم؟

کدام دو چیز در نجات ما همکاری می کنند؟

رومیان ۱۰: ۸-۱۰

لوقا ۲: ۴۶-۴۹

لوقا ۴: ۱۶

عیسی به عنوان یک نوجوان مشتاق آن بود که بیشتر بیاموزد. از آنجایی که قلب فروتنی داشت، میدانست که به آموختن نیاز دارد. او میخواست پدر را بشناسد و برای آن تلاشش را کرد. او میخواست قلبش شکل داده شود. قلب او برای آموختن باز بود.

همین امر برای ما نیز لازم است. آیا ما به اندازه کافی برای یادگیری از خدا فروتن هستیم؟ آیا ما میخواهیم که قلبمان بوسیله کلام او شکل داده شود؟

سعی کنید به اعماق قلبتان نگاه کنید، شما به چه کسی میخواهید گوش دهید؟ چه کسی اجازه دارد قلب شما را شکل دهد؟ آیا خدا اجازه آنرا داد؟ یا فکر میکنید که خودتان همه چیز را میدانید؟ یا آیا فلسفه ها، دوستان و غیره، هستند که تعیین میکنند شما به چه چیز ایمان داشته باشید و چه ثمره ای بیاورید؟

بذر

ما همه میدانیم که اگر هسته سیب را در خاک بکاریم، پس از مدتی یک درخت سیب روییده خواهد شد. از این درخت سیب، سیب میروید. هیچ کس با دیدن آن تعجب نمیکند.

عیسی میخواست قبل از مرگش درس بسیار مهم دیگری از فروتنی به شاگردانش بیاموزد.

عیسی در آیه ۱۷ چه می گوید؟

یوحنا ۱۳: ۱-۱۷

عیسی انتخاب میکند که پایهای شاگردانش را بشوید. او که به آنها هر چیزی را که از پدرش یاد گرفته بود، آموخته بود، مثال دیگری را بجا گذاشت.

کار خدا در قلب شما

آیا این امکان هست که شما بتوانید عوض شوید؟ اگر مغرورید و فکر میکنید که همه چیز را خوب میدانید، چطور امکان دارد که یکمرتبه فروتن شوید؟ آیا باید سخت تلاشتان را بکنید؟ بله و خیر!

قلب منشا همه چیز است. عیسی است که میخواهد با روحش در آنجا زندگی کند. این عیسی روح فروتنی را در خود دارد. او مانند بذری است که در قلب شما می آید. قلب شما زمینی است که بذر در آن فرود می آید. ثمره فروتنی او در شما میشکند و رشد میکند.

شما برای آن باید انتخاب کنید. این شما باید که انتخاب میکنید چه کسی قلبتان بیاید. و شما باید که تعیین میکنید چه کسی با شما سخن بگوید و به چه کسی گوش فرا دهید. قلب شما مکان زندگی جدیدی است که عیسی میخواهد به شما ببخشد. او قلبی را میخواهد که فروتن است و میگوید: «من به تو اعتماد دارم، خودم به تنهایی نمیتوانم، لطفاً این را در من ببار بیاور؟ من تو را بعنوان پادشاه در زندگیم میخواهم، میخواهم تو را پیروی کنم.»

در برابر دیگران

زمانی که تازه مسیحی شده بودم، عیسی در باره فروتنی با قلبم سخن گفت. روزی برای گروهی چیزی تعریف کرده بودم که واقعاً اتفاق نیافتاده بود. روح خدا به خاطرم آورد که گفته هایم حقیقت ندارد. تا آن زمان من طوری برخورد میکردم که انگار هیچ اتفاقی نیافتاده. هیچ کس اطلاعی نداشت. اما اینبار روح خدا من را ملزم کرد تا اعتراف کنم که آنچه تعریف کرده ام حقیقت کامل نبوده. من میتوانستم انتخاب کنم که میوه فروتنی را در قلبم رشد دهم و همچنین میتوانستم انتخاب کنم که به رفتار قبلی ام ادامه دهم. من برای اولی انتخاب کردم و به گروه اعتراف کردم که داستان با آنچه من تعریف کرده بودم فرق داشت.

اگر واقعاً میخواهید در پادشاهی زندگی کنید، طرز برخورد شما بسیار تعیین کننده است. شما میتوانید امروز انتخاب کنید که عیسی را با قلب فروتن پیروی کنید. از او بخواهید که اینرا در قلب شما بکارد.

با مربیتان درباره اینکه الان چه قسمتهایی از قلبتان در حال شکوفاییست، صحبت کنید. کجا ثمرات پیروی از عیسی را می بینید. تعریف کنید که دید شما از فروتنی چیست. آیا کم کم دریافته اید که چه کسی هستید؟ و از چه کسی میخواهید بیاموزید؟

اصل شانزدم

عیسی به دلیل فروتنی از نظر روحانی فقیر بود. او از ما میخواهد که از او الگو بگیریم و ما پادشاهی آسمانی را به ارث خواهیم برد.



متی ۵: ۳

میوه خوب نهد، بریده و در آتش افکنده می‌شود.^{۲۰} بنابراین، آنان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت.»

^۳ خوشا به حال فقیران در روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است.

متی ۱۶: ۱۶-۱۷

^۸ و در مقابل، چه می‌گوید؟ اینکه «این کلام نزدیک تو، در دهان تو، و در دل توست.» این همان کلام ایمان است که ما وعظ می‌کنیم،^۹ که اگر به زبان خود اعتراف کنی «عیسی خداوند است» و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزاند، نجات خواهی یافت.^{۱۰} زیرا در دل است که شخص ایمان می‌آورد و پارسا شمرده می‌شود، و با زبان است که اعتراف می‌کند و نجات می‌یابد.

^{۱۶} شمعون پطرس پاسخ داد: «تویی مسیح، پسر خدای زنده!»^{۱۷} عیسی گفت: «خوشا به حال تو، ای شمعون، پسر یونا! زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد، بلکه پدر من که در آسمان است.

یوحنا ۵: ۱۹

^{۱۹} پاسخ عیسی چنین بود: «آمین، آمین، به شما می‌گویم که پسر از خود کاری نمی‌تواند کرد مگر کارهایی که می‌بیند پدرش انجام می‌دهد؛ زیرا هر چه پدر می‌کند، پسر نیز می‌کند.

فیلیپان ۲: ۶-۹

یوحنا ۱۳: ۱-۱۷

^۱ پیش از عید پسخ، عیسی آگاه از اینکه ساعت او رسیده است تا از این جهان نزد پدر برود، کسان خود را که در این جهان دوست می‌داشت، تا به حد کمال محبت کرد.^۲ هنگام شام بود. ابلیس پیشتر در دل یهودای آسخریوطی، پسر شمعون، نهاده بود که عیسی را تسلیم دشمن کند.^۳ عیسی که می‌دانست پدر همه چیز را به دست او سپرده است و از نزد خدا آمده و به نزد او می‌رود،^۴ از شام برخاست و ردا از تن به در آورد و حوله‌ای برگرفته، به کمر بست.^۵ سپس آب در لگنی ریخت و شروع کرد به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن آنها با حوله‌ای که به کمر داشت.^۶ چون به شمعون پطرس رسید، او وی را گفت: «سرور من، آیا تو می‌خواهی پای مرا بشویی؟»^۷ عیسی پاسخ داد: «اکنون از درک آنچه می‌کنم ناتوانی، اما بعد خواهی فهمید.»^۸ پطرس به او گفت: «پاهای مرا هرگز نخواهی شست!» عیسی پاسخ داد: «تا تو را نشویم سهمی با من نخواهی داشت.»^۹ پس شمعون پطرس گفت: «سرور من، نه تنها پاهایم، بلکه دستها و سرم را نیز بشوی!»^{۱۰} عیسی پاسخ داد: «آن که استحمام کرده، سراپا پاکیزه است و به شستن نیاز ندارد، مگر پاهایش. باری، شما پاکید، اما نه همه.»^{۱۱} زیرا می‌دانست چه کسی او را تسلیم دشمن خواهد کرد، و از همین رو گفت: «همه شما پاک نیستید.»^{۱۲} پس از آنکه عیسی پاهای ایشان را شست، ردا بر تن کرد و باز بر سفره شام نشست. آنگاه از ایشان پرسید: «آیا دریافتید آنچه برایتان کردم؟^{۱۳} شما مرا استاد و سرورتان می‌خوانید و درست هم می‌گویید، زیرا چنین هستم.^{۱۴} پس اگر من که سرور و استاد شمایم پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشویید.^{۱۵} من با این کار،

^۶ او که همذات با خدا بود، از برابری با خدا به نفع خود بهره‌ن جست، بلکه خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفته، به شباهت آدمیان درآمد.^۸ و چون در سیمای بشری یافت شد خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید.^۹ پس خدا نیز او را به غایت سرافراز کرد و نامی برتر از همه نامها بدو بخشید.

لوقا ۶: ۴۳-۴۵

^{۳۳} «هیچ درخت نیکو، میوه بد به بار نمی‌آورد و هیچ درخت بد، میوه نیکو نمی‌دهد.^{۳۴} هر درختی را از میوه‌اش می‌توان شناخت. نه از بوته خار می‌توان انجیر چید، و نه از بوته تمشک، انگور!^{۳۵} شخص نیک از خزانه نیکوی دل خود نیکویی برمی‌آورد، و شخص بد از خزانه بد دل خود، بدی. زیرا زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می‌گوید.

متی ۱۵: ۱۹

^{۱۹} زیرا از دل است که افکار پلید، قتل، زنا، بی‌عفتی، دزدی، شهادت دروغ و تهمت سرچشمه می‌گیرد.

متی ۷: ۱۵-۲۰

^{۱۵} «از پیامبران دروغین برحذر باشید. آنان در لباس گوسفندان نزد شما می‌آیند، اما در باطن گرگان درنده‌اند.^{۱۶} آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از بوته خار و انجیر را از علف هرز می‌چینند؟^{۱۷} به همین‌سان، هر درخت نیکو میوه نیکو می‌دهد، اما درخت بد میوه بد.^{۱۸} درخت نیکو نمی‌تواند میوه بد بدهد، و درخت بد نیز نمی‌تواند میوه نیکو آورد.^{۱۹} هر درختی که

سرمشقی به شما دادم تا شما نیز همان‌گونه رفتار کنید که من با شما کردم. ^{۱۶} آمین، آمین، به شما می‌گویم، نه غلام از ارباب خود بزرگتر است، نه فرستاده از فرستنده خود. ^{۱۷} اکنون که اینها را می‌دانید، خوشا به حالتان اگر بدانها عمل کنید.»